

The Impact of CEO Power on the Accrual-Based Earnings Management and Real Earnings Management¹

Pegah Motametdi², Yadollah Tari Verdi³, Farzaneh Heydarpour⁴

Received: 2022/05/28

Accepted: 2022/11/06

Research Paper

Abstract

This study aims to investigate the effect of CEO power on accrual-based earnings management and real earnings management of listed companies in the Tehran Stock Exchange. These three dimensions of real earnings management in our tests are abnormal discretionary expenses, abnormal production costs, and abnormal cash flow from operations. For this purpose, data related to 108 companies from 2010 to 2020 were analyzed. The regression model of the research has been examined and tested using the panel data approach and panel data with a fixed-effects approach. The results showed that CEO power has a significant negative impact on accrual-based earnings management. Also, the results showed that the concentration of CEO power has a significant negative impact on real earnings management (abnormal discretionary expenses, abnormal production cost, and abnormal cash flows from operations). Therefore, the research results indicate that powerful executives have more independence and more supervisory roles on the board which reduces the disadvantages of stakeholder rights and reduces the agency costs. Reducing agency costs reduce information asymmetry and reduce opacity in finances and thus indicates earnings management.

Keywords: Accrual-Based Earnings Management, CEO Power, Real Earnings Management.

JEL Classification: M42, G10.

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.34811.2817

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (pegahmotamedi@yahoo.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (tariverdi76ir@yahoo.com).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (fheidarpour@yahoo.com).

تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی^۱

پگاه معتمدی^۲، یداله تاری وردی^۳، فرزانه حیدرپور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای تعیین میزان مدیریت سود واقعی از سه معیار شامل: هزینه اختیاری غیرعادی، هزینه تولید غیرعادی و جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی استفاده شده است. بدین منظور داده‌های مربوط به ۱۰۸ شرکت برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی با رویکرد تلفیقی، روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت بررسی و آزمون شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معنی داری بر مدیریت سود واقعی (هزینه اختیاری غیرعادی، هزینه تولید غیرعادی و جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی) دارد. بنابراین نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدیران قدرتمند دارای استقلال بیشتر و داری نقش نظارتی بیشتر بر هیات مدیره دارند که این امر موجب کاهش تضییع حقوق ذی‌نفعان و کاهش هزینه نمایندگی می‌شود و در نتیجه کاهش هزینه نمایندگی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش عدم شفافیت اطلاعات مالی و در نتیجه موجب کاهش مدیریت سود می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی.

طبقه بندی موضوعی: G10, M42.

10.22051/JERA.2021.34811.2817 :DOI

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (pegahmotamedi@yahoo.com)

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (tariverdi76ir@yahoo.com)

۴. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (fheidarpour@yahoo.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

استفاده کنندگان از گزارش‌های مالی شرکت‌ها برای تصمیم‌گیری در زمینه خرید، فروش، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیم‌های اقتصادی مهم، به اطلاعات مالی با کیفیت نیاز دارند. به طور کلی، سرمایه‌گذاران زمانی در یک واحد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند که نخست، درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند و دوم به این اطلاعات اطمینان کنند. از طرفی با توجه به اینکه صورت‌های مالی اطلاعات با ارزشی را برای گروه‌های برون سازمانی فراهم می‌کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه‌های قدرتمندی را برای مدیران فراهم می‌کند تا به نفع خودشان اقدام به دستکاری سود کنند. این امر موجب می‌شود، استفاده کنندگان به اطلاعات غلطی دست یابند و بر اساس آن تصمیم‌های نادرستی اتخاذ کنند (الجفیری، ۲۰۰۷). مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران برای گزارشگری مالی و ساختار معاملات، با هدف تغییر در گزارش‌های مالی، قضاوت خود را به کار می‌گیرند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کنند یا بر نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد، اثر بگذارند (هیلی و والن، ۱۹۹۹). ادبیات مدیریت سود نشان می‌دهد که مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران تمایل به رسیدن به سود مبنا (هدف) داشته باشند. مطالعات جونز (۱۹۹۱)؛ (هیلی ۱۹۸۵)، (هیلی و والن ۱۹۹۹)، (بنیش ۲۰۰۱)، ناگاتا (۲۰۱۳) و یانگ هسو و یانگ (۲۰۱۶) نشان داده است که مدیران برای افزایش پاداش و امنیت شغلی خود، به منظور پنهان کردن عملکرد ضعیف، برای کمک به واردات، برای جلوگیری از پرداخت مالیات شرکت؛ برای جلوگیری از نقض قرارداد وام؛ برای پاسخگویی به تحلیلگران و سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران و حفظ شهرت؛ برای کاهش هزینه‌های نظارتی یا افزایش مزایای قانونی و افزایش قیمت سهام در اولین عرضه عمومی سهام، سود را مدیریت می‌کنند (امیدو و همکاران، ۲۰۱۹).

مدیریت سود از دو طریق امکان پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت سود واقعی^۱ (بومن، ۲۰۱۴). در حالت اول، مدیریت از طریق اقلام تعهدی اختیاری، به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. در حالت دوم، مدیریت با دستکاری فعالیت‌های واقعی، به مدیریت سود واقعی روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد.

دستکاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی و در پاره‌ای از موارد بر ارقام تعهدی تأثیر می‌گذارند. مدیریت ارقام تعهدی اختیاری، از طریق تغییر فعالیت‌های اقتصادی اساسی یک شرکت صورت نمی‌گیرد، بلکه از طریق انتخاب روش‌های حسابداری و برآوردهای حسابداری انجام می‌شود. این در حالی است که دستکاری فعالیت‌های واقعی، از طریق تغییر فعالیت‌های اساسی یک شرکت صورت می‌پذیرد. نتایج پژوهش یو (۲۰۰۸) نشان می‌دهد توانایی بازار در تشخیص مدیریت سود دو پیامد مهم دارد. پیامد اول اینکه منافع بالقوه مدیریت سود را به دلیل تضعیف اجزای دستکاری شده کاهش می‌دهد و دومین پیامد، افزایش هزینه‌های دستکاری سود است. به علاوه، هنگامی که سرمایه‌گذاران اطلاعات زیادی در مورد برخی ویژگی‌های شرکت دارند، اتکای معقولی بر سود گزارش شده خواهند داشت و در نتیجه منافع بالقوه دستکاری سود کاهش یافته و در نهایت انگیزه‌های مدیریت سود تضعیف می‌شود. مدیریت سود، عدم اطمینان از جریان‌های نقدی آتی شرکت را برای سهامداران افزایش می‌دهد که این موضوع منجر به عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران می‌شود (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۱۲). عوامل بسیاری بر مدیریت سود تأثیرگذار است و قدرت مدیرعامل یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود می‌باشد. توجه به قدرت مدیرعامل و مدیریت سود می‌تواند راهنمای مناسبی برای سرمایه‌گذاران باشد و در نظر نگرفتن آن ممکن است سرمایه‌گذاران را در تصمیم‌های سرمایه‌گذاران بلندمدت خود دچار اشتباه کند؛ بنابراین با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری و بازار سهام در سطح اقتصاد ملی، تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی بررسی می‌شود. این ویژگی‌ها با توجه به تأثیری که بر شفافیت محیط گزارشگری مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت افشای شرکت دارند، موجب تغییر در مدیریت سود می‌شود. برخی تحقیق‌ها نشان دادند که قدرت مدیرعامل با بهبود محیط اطلاعاتی، کاهش هزینه‌های نمایندگی به طور مؤثر می‌تواند از چنین تصمیمات نامطلوب مدیریتی جلوگیری کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ایجاد قدرت مدیرعامل به طور مؤثر به کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریتی کمک می‌کند، از این رو قدرت مدیرعامل می‌تواند با کاهش مدیریت سود شرکت نیز در ارتباط باشد. همان‌گونه که اشاره شد سرمایه‌گذاران سود حسابداری را یک منبع مهم اطلاعاتی می‌دانند و بر اساس آن تصمیم‌گیری می‌کنند. از این رو، مدیریت سود همواره به منزله یک عامل مهم مطرح بوده است. تاکنون پژوهش‌هایی برای مشخص کردن روابط متغیرهای مختلف مالی و حسابداری، مدیریتی و کنترلی با انواع مدیریت سود

انجام شده است اما به قدرت مدیرعامل به عنوان یک متغیر بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی به ویژه برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل خواهد داد، کم تر توجه شده است. نوآوری این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش در این هست که، استدلال می شود که قدرت مدیرعامل فقط از موقعیت رسمی آن‌ها (قدرت ساختاری) یا قدرت مالکیت ناشی نمی شود، همانطور که در برخی از مطالعات قبلی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش علاوه بر قدرت ساختاری مدیر عامل، به پیروی از فینکلشتاین (۱۹۹۲)، برای اندازه گیری قدرت مدیر عامل، قدرت مالکیت، قدرت تخصص و قدرت پرستیژ نیز در نظر گرفته شده است. علاوه بر این در این پژوهش دوره تصدی مدیرعامل به عنوان یکی از معیارهای شخصیتی قدرت مدیرعامل در نظر گرفته شده است. در این مطالعه قدرت مدیرعامل با استفاده از منابع چند بعدی اندازه گیری شده است. بنابراین با توجه به اهمیت سرمایه گذاری و بازار سهام در سطح اقتصاد ملی، تأثیر قدرت مدیر عامل بر معیارهای دستکاری فعالیت‌های واقعی (مدیریت سود واقعی) و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بررسی می شود.

این مطالعه با بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش آغاز شده و سپس فرضیه‌های پژوهش و روش پژوهش تشریح می گردد. در ادامه نیز یافته‌ها و بحث و نتیجه گیری ارائه می شود.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیریت سود

هیلی و والن (۱۹۹۹) مدیریت سود را کاربرد تخمین و قضاوت حسابداری برای از نو ساختن هدف معاملاتی شرکت برای گمراهی برخی سهامداران بر اساس واقعیت اقتصادی شرکت تعریف می کنند. به شکلی مشابه، مدیریت سود نیز به عنوان رفتار حسابداری دیده می شود که به شکلی سنجیده و حساب شده توسط مدیران برای مسطح و هموار سازی سودهای گزارش شده به شکل موجود در گزارش مالی مورد استفاده قرار می گیرد (چاندرن، ۲۰۱۶). در مجموع، مدیریت سود به دو گروه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سودهای واقعی تقسیم می شود. مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی وقتی صورت می گیرد که مدیران از روش و تخمین‌های حسابداری برای دستکاری سودهای گزارش شده و متعاقباً گمراهی سهامداران استفاده می کنند (هیلی و والن، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، مدیریت سود واقعی متشکل است از

انحراف عامدانه از فرآیند عملیاتی نرمال با هدف گمراهی کاربران بر اساس واقعیت اقتصادی شرکت‌هاست (رویچاودبری، ۲۰۰۶). این کار متشکل است از فعالیت‌های واقعی دستکاری که بر جریان‌های نقدینگی تاثیر مستقیم دارند تا بدین طریق به سود تعیین شده دست پیدا کنند. در تمرکز بر مدیریت سود واقعی، ذکر این نکته حائز اهمیت است که مدیریت سود واقعی از مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از این نظر متفاوت است که مدیریت سود واقعی در طول سال حسابداری ارجح می‌باشد، اما مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی معمولاً در پایان دوره حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، ممکن است یک شرکت در طول سال حسابداری در بیش تولید دخیل باشد تا از این طریق هزینه تولید را کاهش داده یا در ارائه تخفیف برای افزایش فروش مشارکت داشته باشد (کوهن و زاروین ۲۰۱۰، زنگ، ۲۰۱۲). اخیراً، نصیر و همکاران (۲۰۱۸) فرض کرده‌اند که این نکته کشف شده که شرکت‌های متقلب با استفاده از مدیریت سودهای واقعی فعالیت‌های خود را تکمیل می‌کنند.

قدرت مدیرعامل و مدیریت سود

قدرت مدیرعامل و نتایج شرکت در طول زمان مورد بحث قرار گرفته‌اند. در برخی شرکت‌ها، مدیرعامل شرکت قدرتش را بر تصمیم‌های مهم شرکت متمرکز کرده است که تا حد زیادی بر شرکت‌ها در آینده تأثیر می‌گذارد. به‌ویژه در شرکت‌های بزرگ که توزیع پیچیده قدرت در بین اعضا رایج است. در همین حال در سایر شرکت‌ها، چنین تصمیم‌هایی بر اساس توزیع قدرت در بین مدیران ارشد از طریق رأی‌گیری گرفته می‌شوند؛ بنابراین "کدام فرآیند تصمیم‌گیری برای شرکت بهتر است؟" به عبارت دیگر "آیا دادن قدرت کامل تصمیم‌گیری به مدیرعامل برای تمامی تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت خوب است؟" برای پیدا کردن جواب، دانستن نقش مدیرعامل در شرکت مهم است. مدیر ارشد اجرایی بالاترین مقام اجرایی یک شرکت است که مسئول آن شرکت است. مدیرعامل به‌وسیله اعضای هیئت مدیره برای توسعه استراتژی‌های سطح بالا، تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد انگیزه در کارکنان و مدیریت کردن عملیات روزمره شرکت، استخدام می‌شود. نمونه‌های بی‌شمار عملکرد واقعی شرکت‌ها نشان می‌دهد که مدیران اجرایی با دیکتاتوری یک شرکت را کارآمدتر می‌کند و سرانجام منجر به موفقیت شرکت می‌شود. مشهورترین نمونه‌ها عبارت‌اند از استیو جابز (مدیرعامل اپل)، یان ما (مدیرعامل علی بابا) و ایلان ماسک (مدیرعامل تسلا). به‌هرحال، مدیران عامل لزوماً صاحبان یک شرکت نیستند، هرچند نسبت به دیگر کارکنان قدرت بیشتری به آن‌ها داده می‌شود. بر طبق نظریه‌های نمایندگی، یک مدیرعامل قوی به تثبیت بیشتر و احتمال

بیشتر برای انجام اقداماتی که برای شرکت مضر هستند تمایل دارند (مرسلند^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج مرسلند و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که قدرت بیشتر مدیرعامل همواره بر عملکرد شرکت تأثیر منفی خواهد گذاشت، اما در شرایط خاص، قدرت مدیرعامل نیز منجر به سودهای بزرگ خواهد شد که در بلندمدت به نفع شرکت خواهد بود. نتایج پژوهش‌های پیشین (فنگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرایدمن^۳، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که قدرت بیشتر مدیر اجرایی همواره بر مدیریت سود تأثیر منفی خواهد گذاشت، اما در شرایط خاص، قدرت مدیر اجرایی نیز منجر به سودهای بزرگ خواهد شد که در بلندمدت به نفع شرکت خواهد بود. اولین مسئله‌ای که به وجود می‌آید این است که "آیا تغییر تصمیم‌های مدیریتی برای درک رفتار آینده شرکت ضروری است؟" فینکلستن و همپیرک (۱۹۹۶) دریافتند که مدیر یک فاکتور بسیار مهمی برای شرکت می‌باشد. تصمیم‌های مدیریتی به‌طور مستقیم مشخص می‌کند که شرکت در آینده به چه سمتی می‌رود. سودآوری، ساختار سرمایه و استراتژی‌ها نتایج عملیات مدیریتی موفق است. دومین مشکل برای حل، تعریف قدرت است. بر اساس پفیفر^۴ (۱۹۹۷)، "بیشتر تعاریف قدرت عبارت‌اند از ایده غلبه بر مقاومت" است. از این رو مدیرعامل قدرتمندتر احتمال دارد که هیئت مدیره و دیگر مدیران اجرایی شرکت را تحت فشار تصمیمات تهاجمی قرار دهد (مرسلند و همکاران، ۲۰۱۶).

بر اساس نظریه نمایندگی جنس و مک‌لین گک^۵ (۱۹۷۶)، بیچاک، کریمرز و پیر^۶ (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که قدرت بیشتر مدیران اجرایی به احتمال زیاد منجر به سودآوری بدتر و ارزیابی پایین شرکت از طریق اقداماتی نظیر کیوتوین می‌شود. آدمز و همکاران (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که ریسک حاصل از خطاهای قضاوتی و ارزیابی در شرکتی که مدیرش عمدتاً تمامی تصمیمات مهم را می‌گیرد به خوبی تنوع نیافته است. به عبارتی، آن‌ها نشان می‌دهند در شرکتی که مدیر عاملش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات از قدرت برخوردار می‌باشد، در مقایسه با شرکتی که سایر مدیران در فرآیند تصمیم‌گیری دخیل هستند، احتمال اتخاذ تصمیمات خیلی خوب یا خیلی بد بالاتر می‌باشد. آدمز و همکاران (۲۰۰۵) همچنین نشان می‌دهند که مدیرعامل‌های پر قدرتر، در مقایسه با مدیرعاملین با قدرت کمتر، می‌توانند قدرت خود را اعمال کرده و متعاقباً بر گزارش مالی هم تا حد زیادی تأثیر بگذارند. مدیر اجرایی قدرتمند تحت سلطه به احتمال زیاد منجر به ادغام و تصمیمات اکتسابی غیر منطقی، بدون

1. Mersland
2. Feng
3. Friedman
4. Pfeffer
5. Jensen and Meckling
6. Bebchuck, Cremers and Peyer

در نظر گرفتن نظر دیگران می‌شود. این نوع رفتار باعث افزایش هزینه‌های مربوط به نمایندگی می‌شود و در نهایت منجر به افت شدید قیمت سهام می‌شود و موجب زیان زیادی برای سهامداران خواهد شد. در مقابل، تصمیمات معتدل‌تر (منطقی‌تر) در صورتی اتفاق خواهد افتاد که مدیران اجرایی با سایر مدیران شرکت در مصالحه و هماهنگی با یکدیگر باشند. استدلال بسیار مشابهی از اثر سا استیگل‌یتر^۱ (۱۹۸۶)، نیز وجود دارد. در این مقاله، آن‌ها شرکت‌کنندگان را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کنند. سپس پروژه‌ها از کیفیت‌های مختلف به هر گروه داده می‌شود تا اعضای گروه تصمیم بگیرند کدام پروژه را انجام دهند. با آزمایش‌های مکرر، آن‌ها دریافته‌اند که برای یک گروه با تعداد زیادی از مردم برای بدست آوردن بدترین و بهترین پروژه‌ها به دلیل تأثیر تنوع نظرات، سخت‌تر است؛ بنابراین در فرضیه این پژوهش، تغییرات عملکرد و ارزش شرکت‌ها باید نتیجه فرآیند تصمیم‌گیری قدرتمند باشد. قدرت به دلیل افزایش اندازه کاهش می‌یابد. علاوه بر این، لیو و جیراپرون^۲ (۲۰۱۰) یافته‌های مختلفی برای اثبات رابطه منفی بین قدرت بیشتر مدیرعامل و عملکرد شرکت دارند. آن‌ها دریافته‌اند که اختلاف بین مدیرعامل و بدهکاران وجود دارد. در شرکت‌هایی که مدیران ارشد بیشتری دارند، هزینه بدهی به‌طور قابل توجهی بالاتر از حد متوسط است. علاوه بر این، احتمال دارد که این مدیران اجرایی اقداماتی را برای پنهان کردن برخی از اطلاعات لازم از شرکت‌های بدهکار انجام دهند. عدم تقارن اطلاعاتی، شفافیت را کاهش می‌دهد و در نهایت صدمه به شرکت می‌زند.

با این حال، برخی محققان نیز مدعی هستند که مدیران اجرایی قدرتمند در بلندمدت به شرکت سود خواهند رساند. فرینکلستین و داوونی^۳ (۱۹۹۴) دریافته‌اند که هیئت مدیره هوشیار به احتمال زیاد مدیران قدرتمند را به کار می‌گیرند، در حالی که عملکرد شرکت پایین است. آن‌ها فکر می‌کنند اگر شرکت‌ها شرایط دشواری داشته باشند، مزیت یک مدیر اجرایی قدرتمند برای ایجاد فرماندهی واحد در شرکت، خطر تصمیم‌گیری‌های بد را بیش از حد خواهد داشت. تحت شرایط کمبود منابع و شرایط مالی خطرناک متغیر، مدیر اجرایی قدرتمند بهتر است که شرکت را یکپارچه سازد و قدرت اجرایی قوی داشته باشد. به علاوه حقایق تجربی نیز نشان می‌دهند که شرکت‌های کوچک از مدیران اجرایی قوی‌تر بهره‌مند هستند (لیو جیراپرون، ۲۰۱۰).

علاوه بر این، بر اساس مقاله پرادیت و پورنیست (۲۰۱۵)، مدیرعامل قوی‌تر یک محیط اطلاعاتی مبهم‌تر را تجربه می‌کند که منجر به اقداماتی برای افشای اطلاعات کمتری خواهد شد و عدم تقارن

1. Sah Stiglitz
2. Liu and Jirapron
3. Frinkelstein and D'Aveni

اطلاعات حاصل، قیمت سهام را در شکل گیری پایین تر خواهد کرد. به طور کلی می توان بیان کرد که قدرت، ویژگی اساسی نقش یک مدیر بوده و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم میسازد. مدیران در سازمانها، وضع کننده خط مشی بوده و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمانها با قدرت آنان در ارتباط است. مدیران با به کارگیری منابع قدرت میتوانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد و به هر اندازه که مدیران از قدرت بیشتری برخوردار باشند دارای قضاوت های صحیح و با کیفیت تری هستند لذا، مدیرعامل های دارای قدرت با درک مناسب از سیستم حسابداری و قوانین موجود، تصمیم گیری های مرتبط با سود حسابداری و کاهش ریسک مالی، بیشتر به سمت و سوی سرمایه گذاری های بلندمدت و فعالیت های مولد آتی (مانند: مدیریت وجوه نقد و بهره گیری از آن در بخش تولید و ...) سوق پیدا می کنند (بکر و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو، قدرت بالاتر در بین مدیران میتواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات شرکت شود، به ویژه در دوره های بحرانی عملیات، که تصمیم گیری های مدیریتی می تواند تأثیر به سزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد (بکر و همکاران، ۲۰۱۹). افزون بر این، در دوره هایی که شرکت با بحران روبه رو است، مدیران با قابلیت از تصمیم گیری مناسبتری در ارتباط با تأمین مالی مورد نیاز برخوردارند. همچنین مدیران قدرتمند دارای استقلال بیشتر و داری نقش نظارتی بیشتر بر هیات مدیره دارند که این امر موجب کاهش تضییع حقوق ذی نفعان و کاهش هزینه نمایندگی شود و در نتیجه کاهش هزینه نمایندگی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش عدم شفافیت اطلاعات مالی و در نتیجه کاهش مدیریت سود می شوند. همچنین مدیرعامل قوی تر یک محیط اطلاعاتی شفاف تر را تجربه می کند که منجر به اقداماتی برای افشای اطلاعات بیشتر خواهد شد؛ و عدم تقارن اطلاعات حاصل، قیمت سهام را در شکل گیری بالاتر خواهد کرد که این امر موجب کاهش مدیریت سود می شود (بکر و همکاران، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

مرسلند و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیر عامل بر هزینه های نمایندگی پرداختند. آنها برای اندازه گیری هزینه های نمایندگی از چهار معیار نسبت گردش دارایی ها، هزینه های عملیاتی، نقدینگی شرکت و نسبت دارایی های نامشهود استفاده کردند. نتایج آنها حاکی از آن بود که قدرت مدیر عامل تأثیر منفی و معناداری بر هزینه نمایندگی دارد.

چی چور چئو و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه در شرکت‌های دولتی در چین بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۲ پرداخت. نتایج آنان نشان داد که مشخصه قدرت مدیرعامل تأثیر مهمی در تعیین ساختار سرمایه دارد که این امر منجر به بی اثر بودن ساز و کارهای نظارتی حاکمیت شرکتی می‌شود.

حیدر و فنکگ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک‌پذیری شرکت با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی مالکیت نهادی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معنی‌داری بر ریسک‌پذیری شرکت دارد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر تعدیلی قابل توجهی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک‌پذیری شرکت دارد.

بکر و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود واقعی دارد. دباسکی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر محتوای اطلاعاتی اعلامیه سودهای فصلی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی دارد.

بوازی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل بر مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دوگانگی مدیرعامل و ملیت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند، همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که چرخش مدیرعامل تأثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد.

رمضان احمدی و درسه (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی بر خطر سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری بر خطر سقوط قیمت سهام دارد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیریت سود واقعی تأثیر مثبت و معناداری بر خطر سقوط قیمت سهام دارد.

ریس زاده و رضانی (۱۳۹۷) در پژوهش به بررسی رابطه عدم اطمینان محیطی، مدیریت سود و بازده سهام (نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیران) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیران در مواجهه با عدم اطمینان‌های محیطی، جهت کاهش نوسانات سود، اقدام به مدیریت

سود می نمایند همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بازار عدم اطمینان های محیطی ایجاد شده از طرف مشتریان (ضریب تغییرات فروش) را درک نموده و به این عدم اطمینان ها واکنش نشان می دهد (این نوع عدم اطمینان دارای محتوای اطلاعاتی می باشد) اما به عدم اطمینان های محیطی ناشی از تردید مدیر در مورد سود هر سهم واکنش نشان نمی دهد. در نهایت نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که توانایی مدیران شرکت های نمونه، در بازه زمانی پژوهش، تأثیری معناداری بر رابطه میان عدم اطمینان های محیطی با مدیریت سود و بازده سهام ندارد.

رهنمای رودپشتی و زندی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر قدرت مدیر عامل بر روی اهرم مالی شرکت‌ها با استفاده از یک نمونه شامل ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هرچه قدرت مدیرعامل افزایش پیدا کند به همان نسبت ساختار سرمایه شرکت‌ها و نسبت اهرم مالی در جهت منفی حرکت خواهد کرد. و باعث کاهش بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌ها خواهد شد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری غیر عادی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های تولید غیرعادی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود واقعی از طریق جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات

به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش‌ها پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم افزار اکسل ۲۰۱۰ و استاتا ۱۴ استفاده شده است. هم‌چنین، سطح اطمینان مورد استفاده برای آزمون

فرضیه‌ها و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. برای برآورد پارامترهای مدل‌های رگرسیون، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله مهم‌ترین این فروض فرض‌های مربوط به خود همبستگی و عدم ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌های مدل است. به منظور تشخیص وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها، از آزمون آماره ولدریج استفاده شد. مقدار این آماره برای مدل‌های پژوهش، نشان‌دهنده نبود همبستگی سریالی بین باقیمانده‌هاست.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه‌گیری براساس حداکثر داده‌های موجود برای شرکت‌هایی است که دارای شرایط زیر باشند:

- شرکت‌ها قبل از سال ۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۹۸ در بورس حضور داشته باشند.
 - به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی پایان اسفند باشد.
 - به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آن‌ها تولیدی باشد.
 - اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۸ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، مدل پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، الگوهای زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است.

الگوی (۱) پژوهش برای آزمون فرضیه اول پژوهش

$$ACC_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ power_{i,t} + \beta_2 MTB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی (۲) پژوهش برای آزمون فرضیه دوم پژوهش

$$DISX_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ power_{i,t} + \beta_2 MTB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی (۳) پژوهش برای آزمون فرضیه سوم پژوهش

$$PROD_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ power_{i,t} + \beta_2 MTB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی (۴) پژوهش برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش

$$CFO_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ power_{i,t} + \beta_2 MTB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای مستقل

قدرت مدیرعامل

برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل مطابق پژوهش لیسبک و همکاران (۲۰۱۶) از ۵ معیار که به شرح زیر بیان می‌شوند استفاده خواهد شد.

معیار اول - دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و یا نایب رئیس هیات مدیره^۱
دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره: متغیر مجازی اگر مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نیز باشد برابر ۱ و در غیر این صورت ۰

معیار دوم - مدیران اجرایی با مالکیت سهام^۲

مدیران اجرایی با مالکیت سهام بیشتر به احتمال زیاد به کاهش نفوذ هیات مدیره و افزایش اختیار عمل بیشتر در تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین مدیران اجرایی با مالکیت سهام بیشتر قوی‌ترند (فینکلشتاین، ۱۹۹۲). مدیران اجرایی با مالکیت سهام یک متغیر ساختگی بوده که در صورتی مجموع سهام در اختیار مدیرعامل شرکت I بیشتر از میانه مجموع سهام در اختیار مدیرعامل همان دوره شرکت‌های صنعت مربوطه عضو نمونه باشد، بیانگر قدرت مدیریت بوده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌نماید.

معیار سوم - تصدی مدیرعامل^۳

به‌عنوان تعداد سال‌های مدیرعامل در اداره شرکت بوده تعریف می‌شود. تصدی مدیرعامل نفوذ مدیرعامل را افزایش می‌دهد و در نتیجه قدرت مدیرعامل را افزایش می‌دهد (رایان و

1. Duality
2. CEOHolding_D
3. CEO_Tenure_D

ویگینز، ۲۰۰۴). بدین ترتیب (تصدی مدیرعامل) یک متغیر ساختگی بوده که در صورتی که تصدی مدیرعامل شرکت I بیشتر از میانه مجموع تصدی مدیرعامل‌های همان دوره شرکت‌های صنعت مربوطه عضو نمونه باشد، بیانگر قدرت مدیریت بوده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌نماید.

معیار چهارم- تعداد سمت‌های مدیران اجرایی^۱

تعداد سمت‌های مدیران اجرایی قبل از مدیر عامل شدن را تعریف می‌کند. موقعیت اجرایی مختلف توسط مدیر عامل در شرکت موجب افزایش تخصص مدیرعامل و افزایش دانش مدیرعامل می‌شود که در نتیجه موجب بهبود قدرت مدیرعامل می‌شود. در این پژوهش سمت‌های اجرایی از قبیل مدیرکل، وزیر کشور، ریاست جمهوری، معاون رئیس‌جمهور، نایب‌رئیس با وظایف دولت، مدیر مالی، مدیر عملیات و.... بدین ترتیب (تعداد سمت‌های مدیران اجرایی) یک متغیر ساختگی بوده که در صورتی که تعداد سمت‌های مدیرعامل شرکت I بیشتر از میانه مجموع تعداد سمت‌های مدیرعامل‌های همان دوره شرکت‌های صنعت مربوطه عضو نمونه باشد، بیانگر قدرت مدیریت بوده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌نماید.

معیار پنجم- تصدی سمت‌های مدیران اجرایی^۲

تصدی سمت‌های مدیران اجرایی: به‌عنوان تعداد سال مدیرعامل آن شرکت دارای سمت (رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، نایب‌رئیس با وظایف دولت، مدیر مالی، یا مدیرکل) بوده. مدیران اجرایی با سابقه طولانی در شرکت موجب ارائه مدیر عامل با دانش بیشتری از شرکت، در نتیجه موجب بهبود قدرت مدیر عامل شرکت می‌شود. بدین ترتیب (تصدی سمت‌های مدیران اجرایی) یک متغیر ساختگی بوده که در صورتی که تصدی تعداد سمت‌های مدیرعامل شرکت I بیشتر از میانه مجموع تصدی تعداد سمت‌های مدیرعامل‌های همان دوره شرکت‌های صنعت مربوطه عضو نمونه باشد، بیانگر قدرت مدیریت بوده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌نماید.

1. NumExec_D

2. NumYear_D

در پایان شاخص قدرت مدیر عامل شرکت^۱ مجموع هر یک از متغیرهای شاخص ذکر شده در بالا تقسیم بر عدد ۵ است و در نتیجه برابر است با مقداری بین ۰ تا ۱ است که هر چه به عدد ۱ نزدیکتر باشد مدیرعامل دارای قدرت بیشتری است و بالعکس.

متغیر وابسته پژوهش

مدیریت سود: در این پژوهش برای اندازه گیری مدیریت سود از دو معیار مدیریت سود شامل مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی استفاده شده است.

اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

اقلام تعهدی اختیاری به عنوان متغیری برای کنترل مدیریت سود اقلام تعهدی استفاده می شود. این متغیر مطابق پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۸) از مدل جونز اصلاح شده (دیچو، ۱۹۹۸) از رابطه (۱) برآورد می گردد.

$$\frac{Accruals_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \beta_1 \frac{1}{TA_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{i,t-1}}{TA_{i,t-1}} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$PPE_{i,t-1}$: ارزش املاک و ماشین آلات شرکت i در سال $t-1$. در این رابطه $Accruals_{i,t}$ معرف مجموع اقلام تعهدی است که به صورت رابطه (۲) قابل محاسبه است:

$$Accruals_{i,t} = (\Delta CA_{i,t} - \Delta CASH_{i,t}) - (\Delta DCL_{i,t} - \Delta STD_{i,t}) - DEP_{i,t} \quad (2)$$

ضرایب برآورد از مدل (۱) استخراج می شود و در ارزش واقعی هر یک از متغیرهای مدل (۳) ضرب می گردد. بدین وسیله اقلام تعهدی نرمال به دست می آید. اقلام تعهدی اختیاری از اختلاف اقلام تعهدی کل و اقلام تعهدی نرمال به دست می آید.

$$ACC_{i,t} = \frac{Accruals_{i,t}}{TA_{i,t-1}} - \left(\beta_1 \frac{1}{TA_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{(\Delta S_{i,t} - \Delta AR_{i,t})_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{i,t-1}}{TA_{i,t-1}} \right) \quad (3)$$

در معادله (۱) و (۳) متغیرها به شرح زیر هستند: $ACC_{i,t}$: تغییر در وجه نقد سال جاری نسبت به سال قبل. $\Delta CASH_{i,t}$: تغییر در وجه نقد سال جاری نسبت به سال قبل. $\Delta DCL_{i,t}$: تغییر در بدهی های سال جاری نسبت به سال قبل. $\Delta STD_{i,t}$: تغییر در حصه کوتاه مدت بدهی های بلندمدت سال جاری نسبت به سال قبل. $DEP_{i,t}$: هزینه استهلاک دارایی های مشهود و نامشهود سال جاری و همچنین $\Delta AR_{i,t}$: تغییر در حساب های دریافتی شرکت i در سال t .

اندازه‌گیری معیاری‌های مدیریت سود واقعی

برای اندازه‌گیری معیارهای مدیریت سود واقعی به ترتیب از مدل‌های رگرسیون زیر استفاده می‌شود و در همه آن‌ها جزء باقیمانده معادله رگرسیون (ε) معیار اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی می‌باشد.

اندازه‌گیری هزینه اختیاری غیرعادی

اندازه هزینه اختیاری غیرعادی مطابق پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) از مدل گانی (۲۰۱۰) بر اساس رابطه (۴) به دست می‌آید.

$$\frac{DISX_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

$DISX_{i,t}$: هزینه‌های اختیاری شرکت i در سال t که برابر است با هزینه اداری، عمومی و فروش، پژوهش و توسعه و هزینه‌های تبلیغات، $TA_{i,t-1}$ کل دارایی‌های شرکت i در سال t ، $S_{i,t}$ فروش شرکت i در سال t .

اندازه‌گیری هزینه تولید غیرعادی

اندازه هزینه تولید غیرعادی مطابق پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۸) از مدل کوهن و زاروین (۲۰۱۰) بر اساس رابطه (۵) به دست می‌آید.

$$\frac{PROD_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_4 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_5 \left(\frac{\Delta S_{i,t-1}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$PROD_{i,t}$: هزینه تولید شرکت i در سال t که برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته + تغییرات در موجودی کالا، $\Delta S_{i,t}$: تغییر در مبلغ فروش i در سال t ، $\Delta S_{i,t-1}$: تغییرات فروش شرکت i در سال $t-1$.

اندازه‌گیری جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی

جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی مطابق پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۸) از مدل کوهن و زاروین (۲۰۱۰) بر اساس رابطه (۶) به دست می‌آید.

$$\frac{CFO_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha\beta_2 \left(\frac{S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon \quad (6)$$

$CFO_{i,t}$: جریان نقدی شرکت i در سال t .

متغیرهای کنترلی

از آنجا که کیفیت سود و مدیریت سود شرکت ممکن است توسط عوامل دیگر تحت تاثیر قرار گیرد، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شرکت همچون اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به حقوق صاحبان سهام، اهرم و نقدینگی شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است.

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی فروش شرکت برای محاسبه اندازه شرکت استفاده شده است. اندازه شرکت به طور سنتی به عملکرد مربوط است (نوروش و حیدری، ۱۳۸۳). شرکت‌های بزرگتر نسبت به شرکت‌های کوچکتر دسترسی بیشتری به منابع دارند، از شهرت بالاتری برخوردار هستند، توانایی کسب منابع خارجی را دارند و از فرصت‌های تبلیغاتی مناسبی بهره‌مند هستند (اورلیتسکی، ۲۰۱۱) از این رو عامل اندازه شرکت تأثیر موثری بر عملکرد و مدیریت سود شرکت‌ها خواهد داشت (بکر و همکاران، ۲۰۱۹). تحقیقات زیادی اندازه شرکت را به عنوان متغیر کنترلی مورد استفاده قرار داده‌اند (بکر و حیدری، ۲۰۱۹).

اهرم: برای محاسبه اهرم از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده شده است.

اهرم مالی سیاست‌های تامین مالی شرکت را به نمایش می‌گذارد و تعیین کننده وضعیت اعتباری شرکت است (انصاری و کریمی، ۱۳۸۸) شرکت‌هایی که ریسک کمتری دارند، دسترسی بیشتری به تامین مالی از طریق بدهی با هزینه استقراض پایین‌تر دارند. چنین شرکت‌هایی از این پتانسیل استفاده کرده و اهرم مالی بالایی دارند. از آنجا که هزینه تامین مالی از طریق بدهی ارزانتر از تامین مالی از سایر منابع می‌باشد، انتظار می‌رود شرکت‌هایی که از این امتیاز برخوردار هستند کیفیت سود بهتر (مدیریت سود کمتر) از سایر شرکت‌ها از خود به نمایش گذارند. از این رو در راستای تحقیقات (بکر و همکاران، ۲۰۱۹). اهرم مالی به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام: از نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

افزایش میزان ارزش بازار شرکت نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت بیانگر توانایی و قدرت شرکت در انجام استراتژی‌های مربوطه به دلیل فراوانی منابع در اختیار می‌باشد (سان و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین نشان دهنده اعتماد مشتریان و پتانسیل شرکت در کسب سهم بیشتری از بازار خواهد بود. از این رو این متغیر عاملی تأثیرگذار بر کیفیت و مدیریت سود شرکت می‌باشد. از این رو در راستای تحقیقات (بکر و همکاران، ۲۰۱۸). نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

نقدینگی شرکت: از نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. افزایش میزان نقدینگی شرکت بیانگر توانایی و قدرت شرکت در انجام استراتژی‌های مربوطه به دلیل فراوانی منابع در اختیار است. همچنین نشان دهنده اعتماد

مشتریان و پتانسیل شرکت در کسب سهم بیشتری از بازار خواهد بود. از این رو این متغیر عاملی تاثیرگذار بر کیفیت و مدیریت سود است. از این رو در راستای تحقیقات (بکر و همکاران، ۲۰۱۹) نقدینگی شرکت به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است. **بازده دارایی‌ها:** از نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. افزایش میزان بازده دارایی‌ها شرکت بیانگر توانایی و قدرت شرکت در انجام استراتژی‌های مربوطه به دلیل فراوانی منابع در اختیار می‌باشد (سان و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو این متغیر عاملی تاثیرگذار بر کیفیت و مدیریت سود شرکت می‌باشد. از این رو در راستای تحقیقات (بکر و همکاران، ۲۰۱۹) بازده دارایی‌ها به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	۹۷۲	۰/۰۳۵	۰/۰۳۴	۰/۱۷۴	-۰/۸۵۱	۰/۶۹۵
مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیر عادی	۹۷۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۸	۰/۰۴۹۸	-۰/۱۸۱	۰/۳۷۳
مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های تولید غیر عادی	۹۷۲	۰/۰۰۴۹	۰/۰۴۳	۰/۲۰۱	-۱/۱۸۷	۱/۱۴۲
مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی عملیاتی غیر عادی	۹۷۲	-۰/۰۰۱	-۰/۰۲۱	۰/۱۶۹	-۰/۸۳۶	۰/۹۸۲
قدرت مدیرعامل	۹۷۲	۰/۲۹۸	۰/۳۳۳	۰/۲۳۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
نقدینگی	۹۷۲	۰/۰۴۵	۰/۰۲۷	۰/۰۵۹	۰/۰۰۱۸	۰/۴۶۰
بازده دارایی ها	۹۷۲	۰/۰۹۵	۰/۰۸۲	۰/۱۶۳	-۰/۷۰۱	۰/۶۲۶
اهرم مالی	۹۷۲	۰/۵۹۰	۰/۶۱۶	۰/۲۰۹	۰/۰۴۰۵	۰/۹۸۷
اندازه شرکت	۹۷۲	۱۴/۳۵۶	۱۴/۲۳۶	۱/۵۹۳	۱۰/۹۵۲	۱۹/۵۶۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۹۷۲	۳/۹۸۴	۲/۷۴۶	۳/۸۲۱	۰/۲۵۲	۲۷/۴۶۲

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال میانگین متغیر اندازه شرکت برابر است با ۱۴/۳۵۶ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام برابر ۳/۸۲۱ و برای متغیر هزینه‌های اختیاری غیر عادی شرکت برابر با ۰/۰۴۹۸ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، اندازه شرکت و هزینه‌های اختیاری غیر عادی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده‌های پرت بر نتایج تحقیق، کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

آمار استنباطی

قبل از برآورد مدل‌ها، ابتدا باید با اجرای آزمون‌های چاو و هاسمن، الگوی مناسب برآورد هر مدل مشخص شود؛ نتایج این آزمون در جدول (۲) مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل‌ها

روش پذیرفته شده	آزمون هاسمن		آزمون چاو		الگوی مورد بررسی
	معناداری	آماره	معناداری	آماره	
الگوی تلفیقی			۰/۹۶۲	۰/۳۱	الگوی (۱)
اثرات ثابت	۰/۰۳۰۴	۱۳/۹۳	۰/۰۰۰	۴/۷۷	الگوی (۲)
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۶/۶۴	۰/۰۰۰	۲/۱۳	الگوی (۳)
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۵۹۳/۰۱	۰/۰۱۰۴	۱/۶۶	الگوی (۴)

بنابراین، به تخمین الگوی پژوهش با توجه به روش ارجح پرداخته شد. در ادامه نتایج تخمین الگوی پژوهش در جدول (۳ تا ۶) با روش ارجح نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد الگوی (۱ و ۲) پژوهش برای آزمون فرضیه اول مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی (ACC) و دوم مدیریت سود مبتنی بر هزینه های اختیاری غیرعادی (DISX)

متغیر	ضریب	آماره تی	سطح خطا	آماره vif	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا	آماره vif
مقدار ثابت	۰/۲۱۵	۴/۲۱	۰/۰۰۰		-۰/۱۹۵	-۱/۳۵	۰/۱۷۸	
قدرت مدیرعامل	-۰/۰۶۷۳	-۲/۹۶	۰/۰۰۳	۱/۰۴	-۰/۰۲۲۲	-۳/۶۲	۰/۰۰۰	۱/۰۹
نقدینگی شرکت	-۰/۶۷۷	-۷/۲۱	۰/۰۰۰	۱/۱۵	۰/۰۶۴۲	۲/۴۳	۰/۰۱۵	۱/۱۵
بازده دارایی ها	۰/۲۹۸	۷/۷۳	۰/۰۰۰	۱/۴۹	-۰/۰۲۶۹	-۲/۴۳	۰/۰۱۵	۱/۶۵
اهرم مالی	-۰/۱۰۱	-۳/۳۶	۰/۰۰۱	۱/۴۹	۰/۰۱۵۷	۱/۷۸	۰/۰۷۵	۱/۶۹
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶	-۱/۹۳	۰/۰۵۴	۱/۰۱	۰/۰۰۱۹۶	۲/۱۲	۰/۰۳۴	۱/۰۸
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	-۰/۰۰۲۲	-۱/۵۷	۰/۱۱۷	۱/۰۷	۰/۰۰۱۹۴	۳/۹۲	۰/۰۰۰	۱/۱۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۴۳				۰/۰۴۷۸			
آماره ولدريج	۰/۷۲۰				۴/۲۵۰			
احتمال آماره ولدريج	۰/۴۲۰				۰/۰۷۳۲			
آماره وایت	۲/۴۰۹				۰/۹۸۷			
احتمال آماره وایت	۰/۰۹				۰/۳۲۷			
آماره F	۱۶۹/۴۱				۷/۹۵			
احتمال آماره F	۰/۰۰۰				۰/۰۰۰۰			

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۳) و با توجه به آماره‌ی F به دست آمده برای الگوی (۱) و (۲) به ترتیب (۱۶۹/۴۱ و ۷/۹۵) و سطح خطای آن‌ها (۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگوی (۱ و ۲) به ترتیب برابر ۱۴ و ۴ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۱۴ و ۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدريج برای الگوی (۱ و ۲) که به ترتیب برابر (۰/۴۲۰ و ۰/۰۷۳۲) که بیشتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین باقیمانده مدل پژوهش با هم خود همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره وایت برای الگوی (۱ و ۲) که به ترتیب برابر (۰/۰۹۰ و ۰/۳۲۷) که بیشتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین الگوهای پژوهش دارای همسانی واریانس نمی‌باشد. هم‌چنین مقادیر تورم واریانس (آماره vif) (محدوده استاندارد آماره vif بین عدد ۱ تا ۱۰ می‌باشد) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم خطی ندارند.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد الگوی (۳ و ۴) پژوهش برای آزمون فرضیه سوم مدیریت سود واقعی از طریق هزینه تولید غیرعادی (PROD) و چهارم مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی عملیاتی غیرعادی (CFO)

متغیر	ضریب	آماره تی	سطح خطا	آماره vif	ضریب	آماره تی	سطح خطا	آماره vif
مقدار ثابت	۰/۱۷۵	۳/۰۵	۰/۰۰۲		-۰/۱۳۸	-۳/۰۵	۰/۰۰۲	
قدرت مدیرعامل	-۰/۱۴۸	-۵/۹۰	۰/۰۰۰	۱/۰۹	-۰/۰۷۳	-۳/۶۳	۰/۰۰۰	۱/۰۹
نقدینگی شرکت	-۰/۳۵۴	-۳/۴۰	۰/۰۰۰۱	۱/۱۵	۰/۵۷۶	۵/۸۷	۰/۰۰۰	۱/۱۵
بازده دارایی ها	-۰/۳۷۳	-۸/۶۷	۰/۰۰۰	۱/۶۵	۰/۴۸۹	۱۴/۱۴	۰/۰۰۰	۱/۶۵
اهرم مالی	۰/۱۲۳	۳/۶۳	۰/۰۰۰	۱/۶۹	۰/۰۵۸	۲/۱۶	۰/۰۳۱	۱/۶۹
اندازه شرکت	-۰/۰۱۱	-۳/۱۴	۰/۰۰۲	۱/۰۸	۰/۰۰۴	۱/۴۷	۰/۱۴۱	۱/۰۸
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۰۰۳۱	-۱/۸۱	۰/۰۷۰	۱/۱۳	-۰/۰۰۲۲	-۱/۷۸	۰/۰۷۵	۱/۱۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۲۶				۰/۲۷۵			
آماره ولدريج	۰/۷۶۱				۰/۱۵۲			
احتمال آماره ولدريج	۰/۴۰۸				۰/۷۰۷			
آماره وایت	۱/۸۴۰				۰/۷۲۷			
احتمال آماره وایت	۰/۱۵۹				۰/۴۸۳			
آماره ی F	۲۷۹/۵۳				۳۷۴/۸۸			
احتمال آماره ی F	۰/۰۰۰				۰/۰۰۰			

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۴) و با توجه به آماره ی F به دست آمده برای الگوی (۳ و ۴) به ترتیب (۲۷۹/۵۳ و ۳۷۴/۸۸) و سطح خطای آنها (۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰)، می توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگوی (۳ و ۴) به ترتیب برابر ۲۲ و ۲۷ درصد است، می توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۲۲ و ۲۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. همچنین، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدريج برای الگوی (۳ و ۴) که به ترتیب برابر (۰/۴۰۸ و ۰/۷۰۷) که بیشتر از ۵ درصد می باشد بنابراین باقیمانده مدل پژوهش با هم همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره وایت برای الگوی (۳ و ۴) که به ترتیب برابر (۰/۱۵۹ و ۰/۴۸۳) که بیشتر از ۵ درصد می باشد بنابراین الگوهای پژوهش دارای همسانی واریانس نمی باشد هم چنین مقادیر تورم واریانس (آماره

vif) (محدوده استاندارد آماره vif بین عدد ۱ تا ۱۰ می‌باشد) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم خطی ندارند.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۳) از برآورد الگوی (۱)، ضریب قدرت مدیرعامل برابر است با $0/0673-$ است و با توجه به سطح خطای آن که برابر است با $0/003$ که کمتر از سطح خطای $0/05$ است؛ بنابراین، ضریب منفی قدرت مدیرعامل نشان دهنده آن است که افزایش قدرت مدیرعامل موجب کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری غیر عادی می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۳) از برآورد الگوی (۲)، ضریب قدرت مدیرعامل برابر است با $0/0222-$ است و با توجه به سطح خطای آن که برابر است با $0/000$ که کمتر از سطح خطای $0/05$ است؛ بنابراین، ضریب منفی قدرت مدیرعامل نشان دهنده آن است که افزایش قدرت مدیرعامل موجب کاهش دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری غیر عادی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق تولید غیر عادی می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۴) از برآورد الگوی (۳)، ضریب قدرت مدیرعامل برابر است با $0/148-$ است و با توجه به سطح خطای آن که برابر است با $0/000$ که کمتر از سطح خطای $0/05$ است؛ بنابراین، ضریب منفی قدرت مدیرعامل نشان دهنده آن است که افزایش قدرت مدیرعامل موجب کاهش دست‌کاری فعالیت‌های واقعی از طریق تولید غیر عادی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر دست کاری فعالیت‌های واقعی از طریق جریان نقد عملیاتی غیر عادی می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۴) از برآورد الگوی (۴)، ضریب قدرت مدیرعامل برابر است با $0/073-$ است و با توجه به سطح خطای آن که برابر است با $0/000$ که کمتر از سطح خطای $0/05$ است؛ بنابراین، ضریب منفی قدرت مدیرعامل نشان دهنده آن است که افزایش قدرت مدیرعامل موجب کاهش دست کاری فعالیت‌های واقعی از طریق جریان نقد عملیاتی غیر عادی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف این پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی از سه معیار شامل هزینه‌های اختیاری غیرعادی، تولید غیر عادی و جریان نقد غیرعادی استفاده شده است. بدین منظور چهار فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی دارند. علاوه بر این نتایج پژوهش حاکی از آن است که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر معیارهای مدیریت سود واقعی (هزینه‌های اختیاری غیرعادی، تولید غیر عادی و جریان نقد غیرعادی) دارند؛ نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بکر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. چرا که افزایش قدرت مدیرعامل موجب کاهش مدیریت سود می‌شود. مدیران قدرتمند دارای قضاوت‌های صحیح و با کیفیت‌تری هستند و با درک مناسب از سیستم حسابداری و قوانین موجود، تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سود حسابداری و کاهش ریسک مالی، اهداف و برنامه‌های شرکت را بیشتر به سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و فعالیت‌های مولد آتی (مانند: مدیریت وجوه نقد و بهره‌گیری از آن در بخش تولید و ...) هدایت می‌کنند. در نتیجه، قدرت بالاتر در بین مدیران می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات شرکت شود. همچنین مدیران قدرتمند دارای استقلال بیشتر و داری نقش نظارتی بیشتر بر هیات مدیره دارند که این امر موجب کاهش تضییع حقوق ذی‌نفعان و کاهش هزینه نمایندگی شود و در نتیجه کاهش هزینه نمایندگی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش عدم شفافیت اطلاعات مالی و در نتیجه کاهش مدیریت سود می‌شوند. همچنین مدیرعامل قوی‌تر یک محیط اطلاعاتی شفاف‌تر را تجربه می‌کند که منجر به اقداماتی برای افشای اطلاعات بیشتر خواهد شد؛ و عدم تقارن اطلاعات حاصل، قیمت سهام را در شکل‌گیری بالاتر خواهد کرد که این امر موجب کاهش مدیریت سود می‌شود.

در ارتباط با موضوع پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود. به مدیران شرکت‌ها، علی‌الخصوص مدیران با سطح بالای توانایی و قدرت که در بازار مذکور فعالیت دارند، پیشنهاد می‌شود که در راستای افزایش کیفیت سود شرکت و به تبع آن کاهش مدیریت سود و افزایش رشد شرکت، در راستای بهبود وضعیت شرکت در بازار سرمایه، اقدامات عملی و بستر لازم را فراهم کنند. همچنین می‌توان به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد کرد تا با اجرای مکانیزم‌های کارآمد موجبات اطمینان سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و فعالین بازار سرمایه را از ارتباط میان قدرت مدیرعامل و کیفیت سود (مدیریت سود) فراهم آورد تا سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود در خرید سهام شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران نظیر قدرت مدیرعامل توجه نمایند تا رفته رفته زمینه‌های کارایی بازار سرمایه را فراهم آورد تا شاید از این طریق بتوان با شفاف‌سازی روند اطلاعات در بازار سرمایه و از بین بردن رانت اطلاعاتی، بازاری کارا و اثربخش ایجاد نموده و فعالان اقتصادی در این بازار را برای چرخاندن هرچه بهتر چرخه‌های اقتصادی و هدایت صحیح سرمایه‌ها و ثروت‌های ملی به سوی تولید و اشتغال که منجر به رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد، تشویق و حمایت نمایند.

با انجام هر پژوهش، راه به‌سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است؛ بنابراین، انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی مقایسه‌ای تأثیر قدرت مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها.
۲. بررسی تأثیر سایر ویژگی‌های مدیران بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی.
۳. الگوهای این پژوهش برای تمامی صنایع عضو نمونه آماری به‌صورت یکجا برآورد شده‌اند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی هر یک از الگوهای این پژوهش را برای صنایع مختلف (سیمان و آهک، شیمیایی، فلزات اساسی و...) به تفکیک برآورد گردد.
۴. مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:
۵. عدم تعدیل ارقام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم که ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر باشد.
۶. عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج تحقیق از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات و... خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد.

منابع

- افلاطونی، عباس، (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری مالی، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه.
- احمدی، رمضان؛ درسه، محمد و سید صابر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر دست کاری فعالیت های واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های تجربی حسابداری مالی، ۶(۲۱): ۱۵۳-۱۸۴.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ زندی، اناهیتا. (۱۳۹۸). قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه مبتنی بر مدل لی. پژوهش حسابداری و حسابرسی، ۹(۱): ۱-۲۰.
- ریس زاده، سید محمدرضا؛ رضانی، جواد. (۱۳۹۷). عدم اطمینان محیطی، مدیریت سود و بازده سهام (نقش تعدیل کننده توانایی مدیران)، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۷(۲۶): ۱۲۱-۱۳۲.
- کامیابی، یحیی؛ شهسواری، معصومه؛ سلمانی، رسول. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مدیریت سود تعهدی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و هزینه سرمایه. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۱): ۱۹-۳۸.

References

- Adams, R. B., Almeida, H., & Ferreira, D. (2005). Powerful CEOs and their impact on corporate performance. *The Review of Financial Studies*, 18(4), 1403-1432.
- Aflatooni, A. and L. Nik Bakht (2010). The Application of Econometrics in Accounting Researches, *Financial Management and Economics*, 1 st Edition, Tehran: Termeh Publications. (In Persian).
- Ali, M. J., Razzaque, R. M., & Ahmed, K. (2018). Real earnings management and financial statement fraud: evidence from Malaysia. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- Amidu, M., Coffie, W., & Acquah, P. (2019). Transfer pricing, earnings management and tax avoidance of firms in Ghana. *Journal of Financial Crime*.
- Baker, T. A., Lopez, T. J., Reitenga, A. L., & Ruch, G. W. (2019). The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52(1), 325-345.
- Bassiouny, S. W. (2016). The impact of firm characteristics on earnings management: an empirical study on the listed firms in Egypt. *Journal of Business and Retail Management Research*, 10(3).
- Bebchuk, L. A., Grinstein, Y., & Peyer, U. (2010). Lucky CEOs and lucky directors. *The Journal of Finance*, 65(6), 2363-2401.
- Bhattacharya, N., Desai, H., & Venkataraman, K. (2012). R Does Earnings Quality Affect Information Asymmetry? Evidences from Trading Costs. *Contemporary Accounting Research*, (191), 184-207.
- Bouaziz, D., Salhi, B., & Jarboui, A. (2020). CEO characteristics and earnings management: empirical evidence from France. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.

- Bouwman, C. H. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, 283-303.
- Chandren, S. (2016). Review on the Double Side of Earnings Management. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities*, 24(4).
- Chao, C. C., Hu, M., Munir, Q., & Li, T. (2017). The impact of CEO power on corporate capital structure: New evidence from dynamic panel threshold analysis. *International Review of Economics & Finance*, 51, 107-120.
- Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods. *The accounting review*, 83(3), 757-787.
- DeBoskey, D. G., Luo, Y., & Zhou, L. (2019). CEO power, board oversight, and earnings announcement tone. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52(2), 657-680.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77(s-1), 35-59.
- Feng, M., Ge, W., Luo, S., & Shevlin, T. (2011). Why do CFOs become involved in material accounting manipulations? *Journal of accounting and economics*, 51(1-2), 21-36.
- Finkelstein, S., and D.C. Hambrick. (1996). Strategic leadership: Top executives and their effects on organizations. South-Western Pub
- Francis, B., Hasan, I., & Li, L. (2016). Abnormal real operations, real earnings management, and subsequent crashes in stock prices. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 46(2), 217-260.
- Friedman, H. L. (2014). Implications of power: When the CEO can pressure the CFO to bias reports. *Journal of Accounting and Economics*, 58(1), 117-141.
- Gunny, K. A. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary accounting research*, 27(3), 855-888.
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13(4), 365-383.
- Jansen, I. P., Ramnath, S., & Yohn, T. L. (2012). A diagnostic for earnings management using changes in asset turnover and profit margin. *Contemporary Accounting Research*, 29(1), 221-251.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1979). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *In Economics social institutions* (pp. 163-231). Springer, Dordrecht.
- Kamyabi, Y., Shahsavari, M., Salmani, A., (2016). The Study of the Accrual Earnings Management effect on the relationship between Real Earnings Management and Cost of capital. *Journal of Accounting and auditing reviews*. 23(1):19-38(In Persian).
- Li, H. (2018). Unconditional Accounting Conservatism and Real Earnings Management. *International Journal of Financial Research*, 9(2), 203-215.
- Lisic, L. L., Neal, T. L., Zhang, I. X., & Zhang, Y. (2016). CEO power, internal control quality, and audit committee effectiveness in substance versus in form. *Contemporary Accounting Research*, 33(3), 1199-1237.

- Liu, Y., & Jiraporn, P. (2010). The effect of CEO power on bond ratings and yields. *Journal of Empirical Finance*, 17(4), 744-762.
- Mersland, R., Pascal, D., & Beisland, L. A. (2016). The influence of CEO power on agency costs in non-profit organizations: evidence from the global microfinance industry (No. 16-045). ULB--Universite Libre de Bruxelles.
- Nagata, K. (2013). Does earnings management lead to favorable IPO price formation or further underpricing? Evidence from Japan. *Journal of Multinational Financial Management*, 23(4), 301-313.
- Pfeffer, J. (1997). *New directions for organization theory: Problems and prospects*. Oxford University Press on Demand.
- Rahnama roodposhti, F; Zandi, A. (2019). CEO's power and capital structure based on Lee's model. *Journal of research in accounting and auditing*, 9(1):1-20. (In Persian).
- Raiiszade, S.M.R., and Ramezani, j. (2017). Environmental Uncertainty, Earnings Management and Stock Returns (The Moderating Impact of Managers' Ability). *Journal of Accounting and Audit Management*, 7(26):121-132. (In Persian).
- Ramezan Ahmadi, M. and Dorseh, S.S. (2016). The Effect of Abnormal Real Operations and Accrual Based Earnings Management on Future Stock Price Crashes. *Journal of Empirical Financial Accounting Research*, 6(1):153-164. (In Persian).
- Ryan Jr, H. E., & Wiggins III, R. A. (2004). Who is in whose pocket? Director compensation, board independence, and barriers to effective monitoring. *Journal of Financial Economics*, 73(3), 497-524.
- Sah, R. K., & Stiglitz, J. E. (1991). The quality of managers in centralized versus decentralized organizations. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(1), 289-295.
- Yang, T. H., Hsu, J., & Yang, W. B. (2016). Firm's motives behind SEOs, earnings management, and performance. *International Review of Economics & Finance*, 43, 160-169.
- Yu, F. F. (2008). Analyst coverage and earnings management. *Journal of financial economics*, 88(2), 245-271.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The accounting review*, 87(2), 675-703.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.